

جریان‌شناسی غلو و غالیان در رجال نجاشی (م ۴۵۰ق)

محمد تقی دیاری بیدگلی^۱

چکیده

پدیده غلو و غالی‌گری از جمله پدیده‌هایی است که از دیرباز به عنوان آسیبی جدی و ویرانگر، بیکره و جوهره آیین الهی را تهدید به نابودی و یا انحراف می‌کرده است. از این رو، رجال‌شناسان همواره در جهت شناسایی راویان اقوال ائمه اطهار (ع) و آشکار ساختن کج‌اندیشی‌ها و کژروی‌های اعتقادی و موجبات ضعف آنان به ویژه غالیان و متهمان به غلو کوشیده‌اند. در این نوشتار، تلاش شده است تا ضمن تبیین دیدگاه احمد بن علی نجاشی (م ۴۵۰ق)، رجال‌شناس مشهور شیعه درباره جریان غلو و غالی‌گری، متهمان به غلو در رجال نجاشی، شناسایی و ملاک‌ها و نیز میزان اثرپذیری وی از اندیشه‌های مشایخ رجالی در تضعیف و یا توثیق این دسته از راویان مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: غلو، غالیان، دروغ‌پردازی و جعل حدیث، فهرست اسماء نصفی شیعه (رجال النجاشی)، احمد بن علی نجاشی، ابن غضائری، قمیون.

۱- طرح مسأله

از جمله جریان‌های انحرافی در تاریخ اسلام و شیعه، پیدایش اندیشه خطرناک غلو و غالی‌گریست. از منظر قرآن کریم، این اندیشه ریشه در اعتقادات و فرهنگ یهودی و مسیحی دارد. قرآن کریم می‌فرماید: یهودیان عزیر را پسر خدا پنداشتند همچنانکه

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم

مسیحیان عیسی را (توبه/۳۰). قرآن همچنین در دو موضع، آشکارا اهل کتاب را از غلو و افراط‌گرایی و گزافه‌گویی در دین برحذر داشته است (نساء/۱۷۱؛ مائده/۷۷). در روایات رسیده است که رسول خدا(ص)، خطر غلو در دین را یادآور شده از مردم خواست تا از آن پرهیزند (نک: احمد بن حنبل، ۱/۴۲۱؛ حر عاملی، ۱/۴۲۶، ح ۱۴). امیر مؤمنان(ع) نیز دو گروه را از هلاک شدگان معرفی کرده‌اند: ۱. دوست غالی (تندرو) ۲. دشمن قالی (کینه توز) (نهج البلاغه، حکمت ۱۷). دیگر معصومان(ع) نیز در عصر خویش، ضمن شناسایی سیمای غلات، خطر آنان را به شیعیان گوشزد کرده و آشکارا از آنان بی‌زاری جسته‌اند. بدین ترتیب، ضرورت شناخت اندیشه‌های غلوآمیز و جریان غالی‌گری و پیش‌گیری از توسعه و ترویج آن و مقابله با انحرافات اعتقادی امری است اجتناب‌ناپذیر؛ چراکه اینان، در مسیر جعل حدیث، تخریب و تباه‌سازی عقاید اسلامی و شبهه افکنی درباره پیشوایان معصوم دینی(ع)، نقش مؤثری داشته‌اند (نک: مجلسی، ۲۶۵/۲۵ به بعد؛ طوسی، اختیار معرفة الرجال، رقم‌های ۴۰۲، ۵۱۲، ۵۲۱، ۵۲۷، ۵۳۰، ۵۳۲، ۵۴۱، ۵۴۷، ۵۵۱، ۵۸۸، ۹۹۴-۹۹۷ و...).

نگارنده در این نوشتار بر آنست که جریان غلو و غالیان را در رجال نجاشی بررسی و تحلیل کند؛ پرسش‌هایی که در آغاز تحقیق در پی پاسخ آنها هستیم عبارتند از اینکه: (۱) چه تعداد از راویان در رجال نجاشی به عنوان غالی و یا متهم به غلو معرفی شده‌اند؟

(۲) آیا نجاشی، راویان غالی و یا متهم به غلو را تضعیف کرده و یا توثیق؟

(۳) ملاک نجاشی در تضعیف و یا توثیق راویان غالی و متهم به غلو چه بوده و آیا در

این باره متأثر از اندیشه‌های رجالی استادش غضائری و یا دیگران بوده است؟

۲- مفهوم شناسی و پیشینه جریان غلو

غلو در لغت به معنی افراط و تجاوز از حد و خروج از قصد و اعتدال است (راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن؛ ابن فارسی، معجم مقائیس اللغة؛ ابن اثیر، النهایه، ماده غلو). اما در اصطلاح علم کلام، غلات و غالیه، نامی است فراگیر برای همه فرقه‌هایی که در حق پیامبر اکرم(ص) یا ائمه اطهار(ع) به ویژه علی بن ابی طالب(ع) غلو

کرده و به ایشان مقام الوهیت داده‌اند (نک: ولوی، ۶۶؛ سبحانی، کلیات فی علم الرجال، ۴۱۷).

درباره پیشینه تاریخی جریان غلو و غالیان در اسلام، ابو عمرو کشی در رجال خود روایاتی از امام سجاد(ع)، امام باقر(ع) و امام صادق(ع) نقل کرده که بنابر آنها بنیانگذار این جریان در اسلام، شخصی است به نام «عبدالله بن سبأ» که در آغاز یهودی بوده و سپس به آیین اسلام گرویده است. وی در دوران یهودیت خود درباره «یوشع بن نون» عقیده‌ای غلوآمیز داشته و پس از گرایش به اسلام نیز، درباره علی(ع) راه غلو و افراط پیموده است (طوسی، اختیار معرفه الرجال، رقم ۱۷۰-۱۷۴).^۱

گفته شده است که پس از شهادت حسین بن علی(ع) و قیام مختار ثقفی به خون خواهی وی، ادعاهای غلوآمیز مطرح گردید و از این زمان بود که غلو در حق ائمه(ع)، جنبه سیاسی پیدا کرده به عنوان حربه‌ای به کار گرفته شد (نک: ولوی، ۷۲). باید توجه داشت که اندیشه غالی‌گری در آغاز با پوشش محبت اهل بیت(ع) پا به عرصه وجود گذاشت، اما به دلیل ناسازگاری اعتقادات غالیان با مبانی عقیدتی پیشوایان دینی شیعه، این جریان نتوانست از پشتوانه دینی و مردمی برخوردار شود. آنچه در تاریخ این گروه آمده چیزی جز انشعابات پی در پی و انقراض آنها نمی‌باشد و برخی از منابع تاریخی و ملل و نحل، از صد و سی فرقه به عنوان «غلات» یاد کرده‌اند (نک: همان، ۷۳؛ نوبختی، ۳۴ به بعد؛ سبحانی، بحوث فی الملل والنحل، ۱۱۵/۶، ۲۴۵ به بعد؛ شهرستانی، ۱-۲۷/۱۳۹-۱۴۰؛ دهخدا، ۱۰/۴-۵/۱۴۸۰۴؛ واژه غلات، اشعری، ۱۵ به بعد، مشکور،

۱. برخی از محققان از جمله نوبختی و ابن ابی الحدید این سخن را پذیرفته‌اند (نوبختی، ۲؛ ابن ابی الحدید، ۵/۹-۵). البته برخی از محققان و نویسندگان معاصر در اصالت این مطلب تشکیک و ثابت کرده‌اند شخصیتی به نام «عبدالله بن سبأ» اصلاً وجود خارجی نداشته، بلکه این ماجرا از سوی فردی به نام «سیف بن عمر» نقل شده و این شخص در افسانه‌سرایی و خلق شخصیت‌های موهوم و خیالی، دستی قوی و طولانی داشته است. همچنین روایات کشی را از نظر متنی و سند مخدوش دانسته‌اند (نک: عسکری، عبدالله بن سبأ و ابوریه، ۷۹). نظر به اینکه هدف اصلی نگارنده، بررسی و ریشه‌یابی پیدایش غلو نبوده، از این روی صرفاً در این باره به نحو اجمال به دو دیدگاه متفاوت اشاره شده است و مسلماً این موضوع، خود در خور پژوهشی ویژه است (برای آگاهی بیش‌تر نک: عسکری، عبدالله بن سبأ و همو، یکصد و پنجاه صحابی ساختگی: ابوریه، ۷۹؛ نوبختی، ۲۲؛ ابن ابی الحدید، همانجا).

فرهنگ فرق اسلامی، ۹۴-۹۶، ۳۴۴ تا ۳۴۶) به طوری که از قرائن و شواهد تاریخی برمی آید، در دوران امام باقر(ع) و امام صادق(ع) جریان غلات، گسترش یافته و غالیان مناطقی را تحت نفوذ خود قرار داده‌اند (ابن ابی الحدید، ۱۲۲/۸، طوسی، اختیار معرفه الرجال، رقم ۴۰۲؛ جعفریان، ۲۲۵؛ اسد حیدر، الامام الصادق و المذاهب الاربعه، ۲/۲۳۴؛ معارف، ۲۹۴-۳۱۲).

۳- غلو و غالیان در رجال نجاشی(ره)

۱-۳- نجاشی و کتاب رجالی او در یک نگاه

احمد بن علی نجاشی کوفی (م ۴۵۰ق) از جمله رجال شناسان نام آور شیعه در قرنهای چهارم و پنجم هجری به شمار می‌رود. وی دانش حدیث و رجال را از مشایخ معروف عصر خود نظیر شیخ مفید، سید مرتضی، ابن نوح سیرانی، ابن الجندی، ابن قره کاتب، حسین بن عبیدالله غضائری فرا گرفته است (نک: نجاشی، مقدمه به قلم شبیری زنجانی، ۲؛ سبحانی، کلیات فی علم الرجال، ۶۲-۶۳). کتاب «رجال النجاشی» با عنوان «فهرست اسماء مصنفی الشیعه» از معتبرترین کتب رجالی شیعه است که بسان دائرة المعارفی بزرگ و ارزشمند، به معرفی راویان و اصحاب امامان شیعه، آثار و مصنفات حدیثی آنان، توثیق و تضعیف راویان، شناسایی غلات، بازشناسی نسخه‌های سالم از نسخه‌های جعلی و تحریف شده و اصول و ضوابط جرح و تعدیل پرداخته است (نک: تهرانی، ۱۵۴/۱۰؛ معارف، ۴۳۹). مولف در این اثر، جمعاً ۱۲۶۹ نفر از مصنفان شیعه را که در فاصله قرن دوم تا پنجم هجری می‌زیسته‌اند معرفی کرده است که از این عده، بسیاری در شمار اصحاب و راویان امامان (ع) قرار دارند (فقهی زاده، ۹۶). بسیاری از دانشمندان بزرگ شیعه، در مقام تعارض جرح و تعدیل، آرای رجال نجاشی را بر دیگر رجال شناسان متقدم شیعه از جمله شیخ طوسی ترجیح داده‌اند (نک: بحر العلوم، ۳۵/۲؛ سبحانی، کلیات فی علم الرجال، ۶۲-۶۳)

۲-۳- تضعیفات نجاشی

نجاشی، در رجال خود در مجموع ۱۴۱ مورد راویان را تضعیف کرده است. در موارد زیادی، با وجود این ضعف‌ها، راوی را «ثقه» دانسته است. وی، روایت از مراسیل و

ضعفا و نیز واقفی بودن را مانع از وثاقت راوی در حدیث نمی‌داند. در برخی موارد هم، راویان را از نسبت‌های غلو تبرئه می‌کند. نجاشی، گاهی در تضعیفات، متأثر از عقاید استاد و شیخ خود، احمد بن حسین بن الغضائری در کتاب الضعفاء است. از این رو، به چنین تضعیفات واقعی ننهاده‌اند؛ چه اینکه تضعیفات ابن غضائری را معتبر ندانسته‌اند. تضعیفات نجاشی، به طور کلی به چندگونه قابل تقسیم است:

(۱) مواردی که وی بدون ذکر جهت و سبب ضعف راویان، آنان را به نحو مطلق تضعیف کرده است.

(۲) مواردی که تضعیف راویان همراه با ذکر جهت و سبب ضعف آنان است. قسم اخیر نیز بر دو گونه است:

الف) تضعیف راویان به سبب ضعف و فساد مذهب و اعتقاد آنان.

ب) تضعیف راویان به سبب ضعف در نقل احادیث.

هر یک از این دو قسم نیز به وجوه دیگری قابل انقسام است. گاهی ضعف راوی برای نقل از راویان ضعیف و اعتماد به روایات مرسل است و گاهی به سبب وضع حدیث و دروغ پردازی و گاهی نیز به علت فقدان دقت و احتیاط و عدم ضبط راوی و یا آمیختن احادیث صحیح با غیر صحیح و همچنین انحراف و فساد عقیدتی راویان گوناگون؛ گاهی هم برخی راویان به چند وجه و عنوان تضعیف شده‌اند؛ نظیر جعفر بن محمد بن مالک (نک: نجاشی، رقم ۳۱۳) که به دلیل وضع حدیث، روایت از مجاهیل و فساد مذهب و روایت تضعیف شده است. یکی از ضعف‌های راویانی که نجاشی در ۳۲ مورد بدان تصریح کرده است، اندیشه‌های انحرافی و غلو آمیز راوی است.

۳-۳- غالیان در رجال نجاشی

گفته شد که نجاشی تنها در ۳۲ مورد، راویان را به سبب اندیشه غلو آمیز آنان تضعیف کرده است. البته شایان ذکر است که در برخی موارد، تضعیف صریح راوی از سوی خود نجاشی است و در بعضی مواضع نیز یا با تعبیر «قیل» و یا از قول بعضی اصحاب و یا مشایخ بزرگ خویش و یا قمیون، راویان متهم به غلو شده‌اند. برای آگاهی بیشتر از آرای نجاشی و دیگر رجال شناسان متقدم شیعه در اینجا به ترتیب فهرست رجال نجاشی، به معرفی غالیان و یا متهمان به غلو می‌پردازیم:

- ۱- ابراهیم بن یزید المکنوف؛ ضعیف یقال أنّ فی مذهبه ارتفاعاً له کتاب (نجاشی، رقم ۴۰).
- ۲- حسین بن یزید بن محمد بن عبدالملک النوفلی؛ و قال قوم من القمیین أنّه غلا فی آخر عمره و الله اعلم، و ما رأینا له روایة تدل علی هذا (همان، رقم ۷۷).
- ۳- حسین بن عبیدالله السعدی، ابو عبدالله؛ عنی طعن علیه و رمی بالغلو (همان، رقم ۸۶).
- ۴- حسن بن خزّاد، قمی کثیر الحدیث و قیل أنّه غلا فی آخر عمره (همان، رقم ۸۷).
- ۵- احمد بن حسین بن سعید بن حماد، ابو جعفر الاهوازی، مولی علی بن الحسین (ع) - و ضعفه^۱ و قالوا: هو غالٍ و حدیثه یعرف و ینکر (همان، رقم ۱۸۳)، قال ابن الغضائری: و حدیثه فیما رأیته سالم و الذی اعتمد علیه التوقف فیما یرویه (حلی، رقم ۳۲۰، ۱۲۵۸).
- ۶- احمد بن علی ابو العباس الرازی؛ و قیل: فیہ غلو و ترفع (همان، رقم ۲۴۰).
- ۷- احمد بن الحارث؛ کوفی، غمز اصحابنا فیہ، و کان من اصحاب المفضل بن عمر،^۲ ابوه روی عن ابی عبدالله علیه السلام (همان، رقم ۲۴۷).
- ۸- خیبری بن علی الطحان؛ کوفی، ضعیف فی مذهبه، ذکر ذلک احمد بن الحسین،^۳ یقال فی مذهبه ارتفاع (همان، رقم ۴۰۸).
- ۹- داود بن کثیر الرقی؛ ضعیف جدّاً و الغلاء تروی عنه، قال احمد بن عبدالواحد: قل ما رأیت له حدیثاً سدیداً روی عن موسی و الرضا (ع) (همان، رقم ۴۱۰).
- ۱۰- ربیع بن زکریا الوراق؛ کوفی، طعن علیه بالغلو، له کتاب فیہ تخلیط (همان، رقم

۱. ابن غضائری، حدیث او را سالم دانسته است (نک: حلی، رقم ۱۲۶۹/۱۲۵۸). نجاشی در شرح حال محمد بن احمد بن یحیی آورده است که محمد بن حسن بن الولید و نیز به تبع وی شیخ صدوق و ابو العباس بن نوح او را تضعیف کرده‌اند (نک: نجاشی، ۳۴۸، رقم ۹۳۹). خوئی همانند علامه حلی در مورد وی به دلیل تعارض جرح و تعدیل قائل به توقف شده است (خوئی، ۳/۹۵، رقم ۵۱۸).

۲. مفضل بن عمر جعفی، خطابی یعنی از پیروان محمد بن مقلاص اسدی، ابو الخطاب معرفی شده است (نجاشی، رقم ۱۱۱۲) مفضل را از اصحاب امام صادق (ع) و نیز امام کاظم (ع) شمرده‌اند؛ ابن غضائری وی را ضعیف، متهافت، مرتفع القول و خطابی معرفی و تصریح کرده است که غالبان در حدیث او چیزهایی افزوده‌اند و از این رو، نگارش حدیث او را جایز نشمده‌اند (نک: خوئی، ۱۸/۲۹۲-۲۹۳، رقم ۱۲۵۸۶).

۳. وی، احمد بن حسین بن عبدالله غضائری، از هم‌درسان و ملازمان نجاشی بوده است.

(۴۳۴).

۱۱. سلیمان بن عبدالله الدیلمی ابو محمد؛ غمز علیه و قیل: کان غالباً کذاباً و کذلک ابنه محمد لایعمل بما انفردا به الروایه (همان، رقم ۴۸۲).
۱۲. سهل بن زیاد، ابو سعید الادمی الرازی؛ کان ضعیفاً فی الحدیث، غیر معتمد فیهِ، کان احمد بن محمد بن عیسی^۱ یشهد علیه بالغلو و الکذب و اخرجه من قم الی الری و کان یسکنها (همان، رقم ۴۹۰).
۱۳. عبدالله بن عبدالرحمن الاهم المسمعی، بصری، ضعیف غالب ضعیف غالب لیس بشیء (همان، رقم ۵۶۶).
۱۴. عبدالله بن القاسم الحارثی؛ ضعیف، غالب، کان صحب معاویه بن عمار ثم خلط و فارقه (همان، رقم ۵۹۳).
۱۵. عبدالله بن القاسم الحضرتی؛ المعروف بالبطل، کذاب، غالبی، یروی عن الغلاة، لآخر فیهِ، و لایعتمد بروایتہ (همان، رقم ۵۹۴).
۱۶. عبدالله بن خدش، ابو خدش المهری، ضعیف جداً و فی مذهبه ارتفاع (همان، رقم ۶۰۴).
۱۷. عبدالرحمن بن حجاج البعلی، کوفی، رمی بالکیسانیة^۲ و روى عن ابی عبدالله و ابی الحسن (ع) و بقى بعد ابی الحسن (ع) و رجع الی الحق و لقی الرضا (ع)، و کان ثقة، ثبتاً، و جهلاً (همان، رقم ۶۳۰).
۱۸. عبدالرحمن بن أبی حماد، ابو القاسم، کوفی، صیر فی، انتقل الی قم و سکنها، و هو صاحب دار احمد بن ابی عبدالله البرقی^۳، رمی بالضعف و الغلو (همان، رقم ۶۳۳).

۱. مراد، احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی، از اصحاب امام جواد (ع) امام رضا (ع) و امام هادی (ع) است (نک: خوئی، ۲/۲۹۶، رقم ۸۹۸).

۲. پیروان مختار ثقفی که پس از امام حسین (ع) به امامت محمد بن حنفیه و مهدویت او معتقد بودند (تلخیص مقیاس الهدایة، ۱۳۹).

۳. وی، احمد بن محمد بن خالد برقی است که از عبدالرحمن بن أبی حماد، نقل حدیث کرده است. احمد بن محمد بن عیسی اشعری. وی را از قم تبعید کرد و سپس بازگرداند و از او عذرخواهی کرد (خوئی، ۲/۳۰-۳۱، رقم ۴۱۲، ۲۶۱-۲۷۱، رقم ۸۵۸).

۱۹. علی بن حسان بن کثیر الهاشمی؛ ضعیف جداً ذکره بعض اصحابنا فی الغلاة، فاسد الاعتقاد، له کتاب تفسیر الباطن، تخلیط کله (همان، رقم ۶۶۰).
۲۰. علی بن عباس الجراذینی الرازی؛ رمی بالغلو و غمز علیه، ضعیف جداً له و کتاب الرد علی السلمانیه^۱ - طائفه من الغلاة (همان، رقم ۶۶۸).
۲۱. علی بن احمد، ابوالقاسم الکوفی؛ و غلا فی آخر أمره و فسد مذهبه و صنف کتبا کثیره اکثرها علی الفساد و هذا الرجل تدعی له الغلاة منازل عظيمة (همان، رقم ۶۹۱).
۲۲. محمد بن اوریمه [اورمه] ابوجعفر القمی؛ ذکره القمیون و غمزوا علیه و رموه بالغلو (همان، رقم ۸۹۱).
۲۳. محمد بن علی بن ابراهیم بن موسی ابوجعفر القرشی؛ ضعیف جداً فاسد الاعتقاد، لایعتمد فی شی و کان ورد قم - و قد اشتهر بالکذب بالکوفه - و نزل علی احمد بن محمد بن عیسی مده، ثم تشهر بالغلو فجفی، و أخرجه احمد بن محمد بن عیسی عن قم (همان، رقم ۸۹۴).
۲۴. محمد بن الحسین بن سمون، ابوجعفر، بغدادی، واقف ثم غلا و کان ضعیفاً جداً (همان، رقم ۸۹۹).
۲۵. محمد بن حسین بن سعید الصانع، کوفی ضعیف جداً. قیل: أنه غال فاسد المذهب (همان، رقم ۹۰۰).
۲۶. محمد بن موسی بن عیسی، الهمدان السمان؛ ضعفه القمیون بالغلو و کان ابن الولید یقول: أنه کان یضع الحدیث، واللہ اعلم (همان، رقم ۹۰۴).
۲۷. محمد بن عبدالله بن مهران، ابوجعفر الکرخی؛ غال، کذاب، فاسد المذهب و الحدیث مشهور بذلک (همان، رقم ۹۰۴).
۲۸. محمد بن اسلم الطبری الجبلی، ابوجعفر یقال أنه کان غالباً، فاسد المذهب، روی عن الرضا(ع) (همان، رقم ۹۹۹).
۲۹. محمد بن بحر الزهنی الشیبانی؛^۲ قال بعض اصحابنا: أنه کان فی مذهبه ارتفاع و

۱. گروهی از غالیان بر این باور بودند که سلمان فارسی، پروردگار است و حضرت محمد(ص) مردم را به سوی او می خواند (اشعری قمی، ۶۱).

۲. ابوعمر و کشی از او نقل حدیث کرده است (نک: اختیار معرفة الرجال، ۲۲۷، رقم ۲۳۵).

- حدیثه قریب من السلامه ولادری من این قیل ذلک (همان، رقم ۱۰۴۴).
۳۰. موسی بن جعفر الکمیدانی؛ ابو علی من قریه من قری قم. کان مرتفعاً فی القول، ضعیفاً فی الحدیث (همان، رقم ۱۰۷۷).
۳۱. مفضل بن عمر الجعفی؛ کوفی، فاسد المذهب، مضطرب الروایه، لایعبأبه و قیل انه کان خطایاً^۱ (همان، رقم ۱۱۱۲).
۳۲. نصرین صباح، ابوالقاسم البلخی؛ غال المذهب، روی عنه الکتشی^۲ (همان، رقم ۱۱۴۹).

۴- بررسی و تحلیل

۴-۱- تعداد راویان غالی

با مطالعه و نگاهی گذرا به تعداد راویان غالی و یا متهم به غلو (۳۲ نفر)، نسبت به کل راویان معرفی شده در رجال نجاشی (۱۲۶۹ نفر)، این چنین نتیجه‌گیری می‌شود که تنها حدود یک چهارم یعنی ۵/۲ درصد آنان از نظر اعتقاد به غلو تضعیف شده‌اند. از این شمار، ۱۲ نفر بدون واسطه، از سوی خود نجاشی، به تصریح به غالی‌گری متهم شده‌اند و غلو مابقی به صورت «قیل»، «یقال»، «طعن» و یا «رمی» به صیغه مجهول گزارش شده که نشان می‌دهد نجاشی، آنان را آشکارا غالی ندانسته، بلکه آنان را متهم به غلو می‌شناسد و چه بسا در مواردی از ایشان رفع اتهام می‌کند. چنانکه از سه نفر از راویان، رفع اتهام کرده و احادیث آنان را عاری از عیب و خودشان را نیز موثق شمرده است.

۴-۲- توثیق راویان متهم به غلو

نجاشی درباره «حسین بن یزید نوفلی» اردیف ۲، ابتدا براساس نظر «قمیون» گزارش می‌کند که وی در آخر عمرش به اندیشه غلو دچار شده است و در پایان می‌افزاید: «و ما

۱. فرقه‌ای است منسوب به ابوالخطاب محمد بن وهب اسدی و یا محمد بن مقلاص که به الوهیت ائمه اطهار (ع) و حلول خداوند در آنان باور داشتند (تلخیص مقیاس الهدایه، ۱۴۴؛ سبحانی، کلیات فی علم الرجال، ۴۱۴).

۲. وی، ابو عمرو محمد بن عمر کشی بن عبدالعزیز، شاگرد محمد بن مسعود عیاشی است (نک: نجاشی، ۳۷۲، رقم ۱۰۱۸).

رأینا له رواية تدل علی هذا» (یعنی، ما روایتی را که بر این معنا (اندیشه غلو او) دلالت داشته باشد، ندیده ایم).

وی، درباره «عبدالرحمن بن حجاج بجلی» [ردیف ۱۷] می‌گوید: او را منسوب به «فرقه کیسانیه» یعنی پیروان مختار بن ابی عبیده ثقفی (م ۶۷ق) دانسته‌اند؛ فرقه‌ای که بر این باورند که پس از سید الشهداء (ع)، امامت شیعه، از آن محمد بن حنفیه است (نک: طوسی، اختیار معرفه الرجال، ۲۱۰، رقم ۲۰۴) و او را به عنوان «مهدی موعود» می‌شناسند که الان زنده است و در برده غیبت و روزی ظاهر خواهد شد و زمین را سراسر پر از عدل و داد خواهد کرد (غفاری، ۳۹). نجاشی، در ادامه مطلب او را توثیق کرده و گفته است: «و کان ثقة ثقة، تبتاً، وجهاً» نجاشی، همچنین در خصوص «محمد بن بحر شیبانی» می‌گوید: برخی اصحاب ما معتقدند که او از نظر اعتقادی دارای اندیشه غلوآمیز است در حالی که حدیث او بدون عیب است و نمی‌دانم از کجا چنین چیزی گفته شده است؟

۳-۴- تفاوت مفهوم غلو در اندیشه قدمای اصحاب

بدین ترتیب، از موضع‌گیری نجاشی و توثیق صریح او درباره روایان متهم به غلو چنین برمی‌آید که او به نحو مطلق همه آنان را صرفاً به دلیل این اتهام و یا ضعف اعتقادی، تضعیف نکرده است؛ بلکه در بسیاری موارد دیدگاه افراط‌گرایانه برخی از اصحاب امامیه نظیر قمیون را درباره تضعیف روایان نپذیرفته است. زیرا اندیشه غلو و اعتقادات غلوآمیز غالیان، به حدی متفاوت و ذومراتب است که بسیاری از قدمای شیعه به ویژه قمیون و نیز ابن غضائری، استاد نجاشی، که منزلت ویژه و مرتبه معنوی تعیین شده‌ای از عصمت و کمال را حسب رأی و اعتقاد خود برای ائمه اطهار (ع) معتقد بودند؛ اگر کسی فراتر از اعتقاد آنان برای پیشوایان معصوم دینی (ع)، شأن و منزلتی باور داشت، او را متهم به غلو می‌کردند؛ به عنوان مثال اگر کسی قائل به عدم سهو امامان (ع) بود، او را غالی می‌شناختند و یا اینکه مبالغه در معجزات و کرامات اهل بیت (ع) را اندیشه‌ای غلوآمیز می‌پنداشتند^۱ (نک: غفاری، ۱۵۲؛ سبحانی، کلیات فی علم الرجال، ۴۲۹-۴۳۴)

۱. شیخ صدوق (ره) درباره‌ی غالیان می‌گوید: «انّ الغلاة والمفوضه لعنهم الله ینکرون سهو النبی (ص)... و

۴-۴- دیدگاه علی اکبر غفاری درباره‌ اندیشه غلو

مفهوم غلو و غالی، به درستی و روشنی شناخته شده نیست. گویا «غالی» نزد قدماء، کسی است که به فرقه‌های «باطنیه» گرایش داشته و باطنیه، کسانی‌اند که معتقد بودند هر ظاهری را باطنی است و شریعت را باطنی غیر از ظاهر آن است، و در ترک واجبات و انجام محرمات، نوعی اباحی‌گری را روا می‌شمردند، از جمله اینان معتقد بودند که معنی «نماز»، دوستی امام و «حج»، دیدار وی و به جای آوردن خدمت اوست و هر که معنی پرستش را بشناسد، وجوب عبادت از وی ساقط می‌شود (نک: همان، ۱۵۳، پاورقی؛ مشکور، فرهنگ فرق اسلامی، ۹۴-۹۶)، اساساً قدماء، غلو در فضائل را موجب این نمی‌دانستند که راوی را غالی معرفی کنند و اینکه گفته‌اند قمیون برای ائمه اطهار منزلت ویژه و محدودی را در فضائل معتقد بودند، توهمی بیش نیست و بیانگر این معناست که مفهوم غلو و غالی را در اصطلاح قدماء درست نشناخته‌اند؛ برای اینکه زیارت «جامعه کبیره» را که همه مقامات، صفات و کمالات امامان معصوم (ع) در آن وارد شده کسی جز قمیون روایت نکرده‌اند، و شیخ نیز آن را از صدوق روایت کرده و صدوق نیز آن را به طور کامل در «کتاب من لایحضره الفقیه» (۲/۳۷۰، باب ۲۲۵، حدیث ۲) آورده و در آغاز کتاب خود نیز، حکم به صحت همه محتویات آن داده و آن را حجت فیما بین خود و خدای خود دانسته است (نک: غفاری، ۱۵۳-۱۵۴ پاورقی).

۴-۵- زندگی مخفیانه غالیان در بین شیعه

از سویی، غلات، در میان شیعه، به طور پنهانی زندگی می‌کردند و از سویی دیگر، به دلیل حاکمیت خلفای جور و جورِ اختناق و رعب حاکم بر مردم و تحمیل فشارهای سیاسی و تزییقات اجتماعی از سوی حاکمان وقت برای امامان معصوم (ع) و شیعیان، صدور روایات و احیاناً نکوهش برخی راویان و اصحاب ائمه (ع) از روی تقیه بوده است (نک: طوسی، اختیار معرفه الرجال، ۲۱۶، ۳۸۷، پاورقی؛ خوئی، ۲۳۰-۲۴۵). به



کان شیخنا محمد بن الحسن بن احمد بن الولید رحمه الله یقول: اول درجه فی الغلو، نفی السهو عنی النبوی صلی الله علیه وآله. (شیخ صدوق، کتاب من لایحضره الفقیه، ۱/۲۳۴، باب ۴۹، احکام السهو فی الصلاه، ذیل حدیث ۴۸).

همین دلیل بوده است که در مواقع مقتضی و مناسب، حضرات معصومین (ع) هم اصحاب خاص خود را ستوده‌اند و هم غالیان منحرف از ولایت اهل بیت (ع) را لعن و نفرین کرده‌اند (نک: غفاری، ۱۵۲-۱۵۶).

۴-۶- سخت‌گیری‌های قمیون و ابن غضائری

به دلیل سخت‌گیریهایی بیش از اندازه قمیون و به ویژه احمد بن محمد بن عیسی اشعری که «احمد بن محمد بن خالد برقی»، را از قم تبعید کرد و سپس او را به قم بازگرداند و از او عذرخواهی کرد (نک: همان، ۱۵۳؛ خوئی، ۳۰-۳۱/۲، رقم ۴۱۲، ۲۶۱-۲۷۱، رقم ۸۵۸) همچنین به دلیل افراط و سخت‌گیریهایی ابن غضائری در جرح و قدح راویان و تضعیف آنان، رجال‌شناسان، چندان ارزش و اهمیتی برای این دسته از تضعیفات قائل نیستند (نک: مامقانی، تنقیح المقال، ۲۱۸/۱؛ حلی، ۵۱، رقم ۱۵؛ اردبیلی، ۱۸۷/۱).

شایان ذکر است که ابن غضائری در برخی موارد، کسانی را که قمیون، متهم به غلو کرده‌اند، مبرا از تهمت غلو دانسته است. از جمله درباره «محمد بن اوریمه (اورمه)» می‌نویسد: قمیون وی را متهم به غلو کرده‌اند و حال آن که حدیث او پاکیزه و بدون عیب است. ندیدم چیزی را که به او نسبت داده شده، موجب پریشانی خاطر شود جز او را قی در تفسیر باطنی؛ و حدیث او را نشاید و گمان می‌کنم که آنها (اوراق یادشده) را بر او بر ساخته باشند (نک: ابن غضائری، ۹۳، رقم ۱۲۳؛ نقل از حلی، ۲۵۳، رقم ۲۸؛ نجاشی، ۳۲۹، رقم ۸۹۱).

۴-۷- نجاشی و تعارض آرای رجالی وی با ابن غضائری و قمیون

نجاشی، گرچه شاگرد ابن غضائری است و در موارد زیادی از استاد خودش و نیز از احمد بن حسین غضائری در کتاب رجال خود نقل کرده، این چنین نیست که یکسره متأثر از اندیشه استاد خود باشد، بلکه در اکثر موارد، برخلاف رأی او، راویانی را توثیق کرده است.^۱

۱. نک: نجاشی، ۳۴۱، رقم ۹۱۵؛ درباره محمد بن اسماعیل برمکی، ابن غضائری، ۹۷ و نیز ۲۰، رقم ۲۶؛ درباره ابراهیم بن عمر یمانی، ابن غضائری، ۳۶، ۱۸۴، رقم ۴۸۸؛ درباره سلیمان بن داود منقری، ابن

همچنین نجاشی، در مواردی برخلاف رأی شیخ صدوق و استادش ابن ولید، راویانی را که آنان تضعیف کرده‌اند، ثقه و مورد اعتماد دانسته است. از جمله دربارهٔ محمد بن اسحاق بن عمار (نک: نجاشی، ۳۶۱، رقم ۹۶۹؛ طوسی، رجال، ۳۴۴، رقم ۵۱۲۹، ۳۶۷، رقم ۵۴۱۰) و نیز دربارهٔ حسین بن حسین لؤلؤی (نک: همان، ۴۰، رقم ۸۳؛ طوسی، رجال، ۴۲۴، رقم ۶۱۱۰).

۸-۴- رابطهٔ غلو و کذب

گرچه غالیان از جمله دروغ‌پردازان و جاعلان حدیث بوده‌اند (نک: معارف، ۲۹۸ به بعد؛ طوسی، اختیار معرفه الرجال، رقم ۴۰۱-۴۰۲، ۵۸۸)، این چنین نیست که همواره غلو ملازم کذب و دروغ‌پردازی باشد. نجاشی در معرفی راویان متهم به غلو، سه نفر (ردیف‌های ۱۱، ۱۵، ۲۷) را به عنوان «کذاب» شناخته است. و دربارهٔ «سهل بن زیاد» (ردیف ۱۲) می‌نویسد: احمد بن محمد بن عیسی اشعری، به غلو و کذب او گواهی می‌دهد. دربارهٔ محمد بن علی بن ابراهیم قرشی (ردیف ۲۳) نیز می‌نویسد: او در کوفه به دروغ شهرت داشته و دربارهٔ «محمد بن موسی بن عیسی» (ردیف ۲۶) می‌گوید: قمی‌ها، او را به سبب غلو تضعیف کرده‌اند و ابن ولید معتقد است که او حدیث جعل می‌کرده است. گفته شده است چه بسا احمد بن محمد بن عیسی و ابن غضائری، پس از آن که راوی را غالی دانسته، به او نسبت کذب و وضع حدیث هم می‌دادند (نک: غفاری، ۱۵۳).

۹-۴- اعتقادات غالیان

نجاشی، در رجال خود، به اسباب و موجبات ضعف غالیان و متهمان به غلو اشاره‌ای نکرده است. وی در بیشتر موارد، صرفاً الفاظ و تعابیری را به کار برده که دال بر اعتقادات غلوآمیز راویان است، نظیر: غالی، متهم بالغلو، مرتفع القول، فی مذهب ارتفاع، فیه غلو و ترفع، غالی المذهب؛ و گاهی نیز آنان را منسوب به برخی از فرق غالیان دانسته است. چنانکه عبدالرحمن بن حجاج (ردیف ۱۷) را منسوب به کیسانیه و مفضل بن عمر

←

(ردیف ۳۱) را از خطابه شمرده است. او احمد بن حارث کوفی (ردیف ۷) را به دلیل اینکه از اصحاب مفضل بن عمر بوده، خطابی معرفی کرده است. مهم‌ترین اعتقادات و اندیشه‌های غالیان را می‌توان در فهرست اجمالی زیر خلاصه کرد:^۱

۱- اعتقاد به الوهیت و ربوبیت پیشوایان معصوم دینی (ع) و یا اعتقاد به حلول خداوند در آنان؛

۲- اعتقاد به رجعت، بداء، تشبیه و تناسخ؛

۳- اعتقاد به علم غیب مطلق امامان شیعه (ع)؛

۴- عقیده به تفویض مطلق امور عالم هستی به ائمه اطهار (ع)؛

۵- اباحی‌گری و گریز از انجام تکالیف شرعی و نمادین انگاشتن آنها؛

۶- عقیده به مهدویت افرادی به جز مهدی موعود (عج)؛

۷- تأویل‌های ناروا از آیات قرآن؛

۸- اعتقاد به تحریف به نقیصه قرآن؛

۹- عقیده به عصمت تامه و نفی سهو از پیشوایان و رهبران دینی؛

۱۰-۴- فراوانی غالیان در عهد ائمه اطهار (ع)

با بررسی و مطالعه منابع رجال از جمله مطالعه درباره ۳۲ نفر از راویان غالی و یا متهم به غلو یاد شده در رجال نجاشی معلوم گردید که از این شمار، دو نفر [ردیف ۱ و ۵] از اصحاب امام سجاد (ع)، دو نفر [ردیف ۱۳ و ۱۹] از اصحاب امام باقر (ع)، نه نفر [ردیف ۸، ۹، ۱۱، ۱۳، ۱۴، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۳۱] از اصحاب امام صادق (ع)، هفت نفر [ردیف ۲، ۹، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۶، ۲۷] از اصحاب امام رضا (ع)، دو نفر [ردیف ۱۲ و ۲۴] از اصحاب

۱. برای آگاهی بیشتر درباره اندیشه‌های اعتقادی و نیز فرقه‌های غلات نک: مشکور، تاریخ شیعه و فرقه‌های اسلامی تا قرن چهارم، ۱۵۲-۱۵۳: کشی، اختیار معرفه الرجال، رقم ۵۴۲، ۵۲۱، ۵۸۷، ۵۳۲، ۵۵۱، ۵۱۲ و ۵۸۹، تلخیص مقباس الهدایه، ۱۳۹-۱۵۶، بحارالانوار، ۲۵/۲۶۱-۳۵۰، تنقیح المقال، فایده ۲۵، غلات و واقفه، پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه، ۲۹۴-۳۱۲؛ فرق الشیعه، نوبختی (اوائل قرن چهارم) الملل والنحل، شهرستانی (م ۵۴۸ق)؛ صفری، نعمت الله، غالیان، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، آستان قدس رضوی، اول، ۱۳۷۸ش، مقباس الهدایه، ۴۱۷۳۹۳/۲.

امام جواد(ع)، پنج نفر اردیف ۳، ۴، ۲۳، ۲۴، ۲۷ از اصحاب امام هادی(ع)، دو نفر اردیف ۲۵، ۱۱۲ از اصحاب امام عسگری(ع) به شمار می‌روند و برخی نیز انظیر ردیف ۶، ۲۱، ۲۹، ۳۲ از هیچ یک از امامان شیعه(ع) روایتی نقل نکرده‌اند. شایان ذکر است که برخی از راویان، با چند تن از پیشوایان دینی، معاصر بوده‌اند. بدین ترتیب، بیش‌ترین شمار غالیان در عصر سه تن از حضرات معصومین(ع) یعنی امام صادق(ع) امام کاظم(ع) و امام رضا(ع) می‌زیسته‌اند.

۵. ردّیه نگاری علیه غالیان

در دوران حیات معصومان(ع) در قرن دوم و سوم و نیز پس از عصر غیبت، در قرن چهارم و پنجم، راویان و محدثانی در ردّ اندیشه‌های غالیان کتابهایی نگاشته‌اند که در این بخش براساس کتاب نجاشی به اختصار به معرفی آنان می‌پردازیم:

۱- علی بن عباس جرادینی رازی: کتاب الرد علی السلمانیة، طائفة من الغلاة (نجاشی، رقم ۶۶۸). علامه حلی درباره وی می‌گوید: وی متهم به غلو و به شدت تضعیف شده و تصنیفی درباره ممدوحین و مذمومین دارد که نشان از خبث او و فساد مذهبش دارد (حلی، ۳۶۷، رقم ۱۴۴۴).

۲- یونس بن عبدالرحمن قمی: کتاب الرد علی الغلاة (نجاشی، رقم ۱۲۰۸). وی از جمله بزرگ‌ترین اصحاب مورد اعتماد امام رضا(ع) به شمار می‌آید.

۳- فضل بن شاذان نیشابوری: کتاب الرد علی الغالیة المحمدیة (همان، رقم ۸۹۱). وی از اصحاب مورد وثوق امام جواد(ع) و نیز امام رضا(ع) بوده و از آنان روایت کرده است.

۴- ابوجعفر محمد بن اوریمة قمی: کتاب الرد علی الغلاة (همان، رقم ۸۹۱). وی از اصحاب امام هادی(ع) است که ابن غضائری او را از اتهام غلو میرا دانسته است (نک: خوئی، ۱۱۷/۱۵).

۵- حسن بن علی بن فضال کوفی: کتاب الرد علی الغالیة (نجاشی، رقم ۷۲). وی معاصر امام رضا(ع) بوده است.

۶- ابوالحسن علی بن مهزیار اهوازی: کتاب الرد علی الغلاة (همان، رقم ۶۶۴). وی از اصحاب مورد وثوق امام رضا، امام جواد و امام هادی(ع) بوده است.

۷- ابواسحاق کاتب، ابراهیم بن ابی حوز: کتاب الرد علی الغالیة و ابی الخطاب (همان، رقم ۲۲). وی از چهره‌های شناخته شده و مورد وثوق و از اصحاب امام عسکری (ع) است.

۸- اسماعیل بن علی بن اسحاق: کتاب الرد علی الغلاة (همان، رقم ۶۸). وی از متکلمان برجسته امامیه در قرن سوم به شمار می‌رود.

۹- اسحاق بن حسن بن بکران: کتاب الرد علی الغلاة و کتاب نفی السهو عن النبی (ص) (همان، رقم ۱۷۸). وی معاصر نجاشی بوده و کتاب کلینی را از وی روایت کرده است (تهرانی، ۲۱۲/۱۰).

۱۰- محمد بن حسن بن فروخ صفار (م ۲۹۰ق): کتاب الرد علی الغلاة (همان، رقم ۹۴۸). وی از چهره‌های برجسته قمی‌ها و شخصیتی عظیم‌القدر و معاصر امام عسکری (ع) بوده است. شیخ صدوق با واسطه استادش ابن ولید از وی نقل حدیث کرده است.

۱۱- محمد بن موسی بن عیسی همدانی: کتاب الرد علی الغلاة (همان، رقم ۹۰۴). نجاشی درباره ضعف وی توقف کرده است (نک: خوئی، ۲۸۳/۱۷).

۱۲- سعد بن عبدالله بن ابی خلف اشعری قمی (م ۲۹۹ یا ۳۰۱ق): کتاب الرد علی الغلاة (نجاشی، رقم ۴۶۷؛ تهرانی، ۲۱۴/۱۰). وی از اصحاب امام عسکری (ع) و صاحب کتاب معروف المقالات و الفرق است.

۱۳- ابو محمد، حسن بن موسی نوبختی: کتاب الرد علی اصحاب التناسخ و الرد علی الغلاة (نجاشی، رقم ۲۴۸). وی از متکلمان مبرز در اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم و مؤلف کتاب معروف فرق الشیعه است.

۱۴- ابو جعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی ملقب به شیخ صدوق (م ۳۸۱ق): کتاب ابطال الغلو و التقصیر (همان، رقم ۱۰۴۹).

۱۵- ابو عبدالله، حسین بن عبیدالله بن ابراهیم غضائری (م ۴۱۱ق): کتاب الرد علی الغلاة و المفوضه (همان، رقم ۱۶۶). وی از جمله رجال شناسان بزرگ شیعه و از مشایخ نجاشی و شیخ طوسی است (طوسی، الرجال، ۴۲۵، رقم ۶۱۱۷).

۱۶- محمد بن حسن بن حمزه جعفری (م ۴۶۳ق): المسأله فی الرد علی الغلاة (همان،

رقم ۱۰۷۰). وی جانشین شیخ مفید بوده و به عنوان متکلم و فقیه معروف است. (حلی، ۲۷۰، رقم ۹۷۷).

نکته قابل توجه آن که برخی از راویان متهم به غلو (ردیف ۱، ۴، ۱۱) خود به ردیه نگاری بر ضد غالیان اقدام کرده بودند. این معنا، بیانگر این حقیقت است که اتهام به غلو آنان، چندان ارزش و اعتباری ندارد. چنانکه محمد بن اورمه قمی و محمد بن موسی همدانی، هر دو از سوی قمی‌ها متهم به غلو شده بودند و همانطور که گذشت تضعیفات آنان از سوی بیش‌تر رجال‌شناسان شیعه، غیر معتبر شناخته شده است.

نتیجه

از بررسی و تحلیل در رجال نجاشی و جرح و تعدیل راویان به ویژه غالیان در مجموع می‌توان به نتایج ذیل دست یافت.

۱- تضعیفات نجاشی با الفاظ گوناگون و شیوه‌های متفاوت به طور کلی در سه بخش: الف) ضعف در اعتقاد، ب) ضعف در روایت، ج) ضعف در حدیث، از تعداد ۱۲۶۹ نفر، در مجموع ۱۴۱ راوی را در برمی‌گیرد.

۲- نجاشی، در موارد زیادی، با وجود ضعف‌های راویان از ناحیه اعتقادی و مذهبی و ضبط و دقت در نقل نصوص احادیث، آنان را توثیق کرده است.

۳- در رجال نجاشی، تنها در ۳۲ مورد راویان به سبب اعتقادات غلوآمیزشان تضعیف شده‌اند. از این تعداد فقط ۱۲ نفر، بدون واسطه از سوی خود نجاشی، به تصریح در شمار غلات معرفی شده‌اند. در برخی موارد نیز نجاشی برخلاف نظر ابن غضائری و نیز قمیون، راویان متهم به غلو را تبرئه کرده است.

۴- بیش‌ترین راویان متهم به غلو در عهد حیات سه تن از امامان بزرگوار یعنی امام صادق(ع)، امام کاظم(ع) و امام رضا(ع) می‌زیسته‌اند و این امر نشان دهنده این حقیقت است که اندیشه‌های اعتقادی غلوآمیز و جریان‌های انحرافی در آن عصر به اوج خود رسیده است.

۵- شمار زیادی از راویان و محدثان در فاصله قرن دوم تا پنجم هجری قمری، کتاب‌هایی را در رد اندیشه‌های غالیان نگاشتند. اینکه برخی از متهمان به غلو نیز اقدام

به ردیه نگاری کرده‌اند بیانگر آن است که صرف اتهام به غلو، اعتباری ندارد و مانع پذیرش روایات متهمان به غلو نمی‌شود. چگونه ممکن است کسانی مانند علی بن عباس جرادینی (ردیف ۲۰) و محمد بن اوریمه (ردیف ۲۲) و محمد بن موسی بن عیسی همدانی (ردیف ۲۶) هم غالی باشند و هم کتابهایی در رد و انکار غالیان بنگارند؟ جز اینکه بگوییم آنانی که در مرتبه‌ی پایین غلو بوده‌اند، افراد مرتبه‌ی بالا را غالی می‌شمرده‌اند (نک: خوئی، ۱۳۶/۱۹، ذیل شرح حال نصر بن صباح). «علی بن عباس» متهم به غلو و تضعیف شده و در عین حال کتابی در رد گروهی از غالیان موسوم به «سلمانیه» نگاشته و «محمد بن اوریمه» از سوی قمیون به دلیل غلو تضعیف شده، در حالی که کتابی در رد بر غالیان نوشته و ابن غضائری وی را مبرا از غلو دانسته است. همچنین «محمد بن موسی همدانی» از سوی قمیون و به ویژه ابن ولید متهم به غلو و وضع حدیث شده، در حالی که وی از جمله کسانی است که علیه غالیان ردیه نگاشته و نجاشی نیز درباره‌ی ضعف او توقف کرده است.

۶. ظاهراً نجاشی، بیش از آنکه به وثاقت راوی از طریق قرائن خارجی توجه داشته باشد، از طریق قرائن داخلی از جمله مضمون روایات و نیز کتاب‌های راوی، حکم به توثیق و یا تضعیف راوی می‌داده؛ چنانکه درباره‌ی «محمد بن بحر شیبانی» نوشته است: «و حدیثه قریب من اسلامه» (رقم ۱۰۴۴) و نیز درباره‌ی حسین بن یزید نوفلی آورده: «ما رأینا روایه تدل علی ذلک» (همان، رقم ۷۷).

۷. بیش‌ترین شمار راویان متهم به غلو، اهل کوفه، قم و ری بوده‌اند.

کتابشناسی

اشعری، ابوالحسن علی بن اسماعیل، مقالات الاسلامیین، با تحقیق محمد محی‌الدین عبدالحمید، بیروت، المكتبة العصریه، ۱۴۱۱ق/۱۹۹۰م.

استرآبادی، میرزا محمد بن علی، منهج المقال فی تحقیق احوال الرجال، قم، موسسه آل‌البتیت (ع)، ۱۴۲۲ق.

اشعری قمی، سعد بن عبدالله ابی خلف، کتاب المقالات والفرق، با تحقیق و مقدمه و تعلیق محمد جواد مشکور، تهران، موسسه مطبوعاتی عطایی، ۱۹۶۳م.

- ابن حنبل، احمد، مسند احمد بن حنبل، با تحقیق احمد شاکر، مصر، دارالمعارف، ۱۴۰۴ق.
- ابن ابی الحدید معتزلی، عزالدین، شرح نهج البلاغه، با تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دار احیا الکتب العربی، بیروت، ۱۳۷۸ق.
- ابن غضایری، احمد بن الحسین بن عبیدالله الغضابری، الرجال، با تحقیق سید محمدرضا حسینی جلالی، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۲ق/۱۳۸۰ش.
- ابوری، محمود، اضواء علی السنة المحمدیه، قم، دارالکتب العلمیه، مصر، دارالمعارف، ۱۳۷۷ق/۱۹۵۷م.
- اردبیلی، محمد بن علی، جامع الرواه، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۳ق.
- تهرانی، آقا بزرگ، الذریعه الی تصانیف الشیعه، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۳ق.
- جعفریان، رسول، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، قم، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۹ش.
- حلی، حسن بن یوسف، خلاصه الاقوال فی معرفه الرجال، با تحقیق شیخ جواد قیومی، قم، موسسه انشر الاسلامی، ۱۴۱۷ق.
- حر عاملی، محمد بن الحسن، تفصیل و سایل الشیعه، تهران، کتابفروشی اسلامی، ۱۳۶۷ش.
- خویی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، قم، مرکز نشر آثار شیعه، ۱۴۱۰ق.
- سبحانی، جعفر، بحوث فی الملل و النحل، قم، لجنه اداره الحوزه العلمیه، ۱۴۱۳ق/۱۳۷۲ش.
- همو، کلیات فی علم الرجال، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه، ۱۴۱۰ق.
- شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، الملل و النحل، با تعلیقه ابو عبدالله السعید المنذوه، موسسه الکتب الثقافیه، ۱۴۱۵ق/۱۹۹۴م.
- صفری فروشانی، نعمت الله، غالیان، کاوشی در جریان‌ها و برآیندها، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۸ش.
- صبحی صالح، نهج البلاغه، قم، انتشارات هجرت، ۱۳۹۵ق، بیروت، ۱۳۸۷ق.
- صدر، سید حسن، تاسیس الشیعه، تهران، منشورات الاعلمی، بی تا.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه القمی، کتاب من لایحضره الفقیه، با تصحیح علی اکبر غفاری، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۹۲ق.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن، اختیار معرفه الرجال المعروف برجال الکشی، با تحقیق و

- تصحیح محمد تقی فاضل میبدی و سید ابوالفضل موسویان، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۲۴ق/۱۳۸۲ش.
- همو، رجال الطوسی، با تحقیق جواد قیومی اصفهانی، قم، موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۵ق.
- عسکری، سید مرتضی، عبدالله بن سبا، تهران، دفتر نشر کوکب، ۱۳۶۰ش.
- همو، یکصد و پنجاه صحابی ساختگی، تهران، مجمع علمی اسلامی بدر، ۱۳۶۲ش.
- فقهی زاده، عبد الهادی، درآمدی بر علم رجال (ترجمه مقدمه معجم رجال الحدیث خویی)، تهران، موسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۶ش.
- فضلی، عبد الهادی، اصول علم الرجال، بیروت، موسسه ام القری، ۱۴۱۶ق.
- مشکور، محمد جواد، فرهنگ فرق اسلامی، با مقدمه و توضیحات کاظم مدیر شانه چی، مشهد، بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲ش.
- همو، تاریخ شیعه و فرقه های اسلام تا قرن چهارم، تهران، کتابفروشی اشرافی، ۱۳۶۲ش.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، موسسه الوفا، ۱۴۰۳ق.
- معارف، مجید، پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه، تهران، موسسه فرهنگی و هنری ضریح، ۱۳۶۹ق.
- مامقانی، عبدالله، تلخیص مقباس الهدایه، با تلخیص علی اکبر غفاری، نشر صدوق، تهران، ۱۳۶۹ش.
- همو، تنقیح المقال، النجف، مکتبه المرتضویه، ۱۳۵۲ق.
- نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، با تحقیق موسی شبیری زنجانی، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۷ق.
- نوبختی، ابو محمد الحسن بن موسی، فرق الشیعه، با تصحیح و تعلیقه سید محمد صادق آل بحرالعلوم، النجف، المکتبه المرتضویه، ۱۳۵۵ق/۱۹۳۶م.
- ولوی، علی محمد، تاریخ علم کلام و مذاهب اسلامی، تهران، انتشارات بعثت، ۱۳۶۷ش.